

- آرایه‌های مشترک در ابیات زیر کدام‌اند؟ (کنکور سراسری ۱۴۰۳ تیرماه)
- هر دم غم فراقش بر دل نهاد باری / هر لحظه دست هجرش در دل شکست خاری
 - شب نیست که در پایش تا روز به صد زاری / یا جبهه نمی‌سایم یا روی نمی‌مالم
 - چگونه از خط حکم تو سر بگردانم / که من مطیع و حکم تو پیش بنده مطاع

- (۱) مجاز - جناس - کنایه
(۲) مجاز - تشبیه - مراعات‌نظیر
(۳) کنایه - اغراق - واج‌آرایی
(۴) تضاد - مراعات‌نظیر - جناس ناقص

پاسخ گزینه ۱

مجاز: «دم» مجاز از لحظه / «صد» مجاز از مقدار بسیار / «خط» مجاز از فرمان

جناس: خار - بار / روز - روی / مطیع - مطاع

کنایه: بار بر دل نهادن / جبهه ساییدن - روی مالیدن / سرگرداندن

جناس:

دو نوع دارد؛

الف) جناس همسان (تام): دو کلمه از لحاظ نوشتن و خواندن مثل هم هستند، اما معانی مختلفی دارند. مثل «برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است». ← در اینجا «خویش» اول به معنای خود و «خویش» دوم به معنای خویشاوند است.

ب) جناس ناهمسان (ناقص): سه دسته دارد؛

- ۱- جناس ناقص اختلافی: دو کلمه در یک حرف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. مثل «نور» و «نار»
- ۲- جناس ناقص حرکتی: دو کلمه در حروف یکسانند، اما در مصوت‌های کوتاه با هم تفاوت دارند. «مَلک» و «مَلِک»
- ۳- جناس ناقص افزایشی: یکی از کلمات یک حرف بیشتر از دیگری دارد. «جام» و «جامه»

انواع دیگر جناس:

این موارد در کتاب درسی عنوان نشده‌اند، اما بهتر است با آن‌ها آشنا باشید.

- ۱- جناس ناقص لفظی: دو کلمه از نظر خواندن مثل هم هستند، اما از لحاظ نوشتن تفاوت دارند. مثل «خوار» و «خار».
- ۲- جناس ناقص قلبی: دو کلمه در حروف و تعداد آن‌ها یکسانند، اما جای حروف در آن‌ها عوض شده‌است. مثل «بنات» و «نبات»
- ۳- جناس مرکب: یکی از کلمات ساده و دیگری بیش از یک واژه (مرکب) باشد. مثل:
«هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست» ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست (را + است)؟

مجاز:

۱) برای تشخیص مجاز، نخست به قاعده اساسی ما دقت کنید که «وقتی واژه‌ای در معنی مجازی به کار رفته باشد، با مترادف خود (معنی حقیقی آن) جایگزین‌پذیر نیست». در جمله «هر کرا در خاک غربت پای در گل ماند، ماند»، نمی‌توان به جای «خاک» مترادف آن یعنی «گرد و غبار» گذاشت. زیرا خاک در معنی دیگری به کل به کار رفته‌است که تنها با معنی حقیقی، ارتباط دارد. پس از جایگزین‌کردن معنی حقیقی و مترادف واژه‌ها استفاده می‌کنیم.

۲) با این همه، مجاز آرایه‌ای است که در سطح کنکور، معمولاً در واژه‌های مشخصی موردنظر است و فقط کافی است شما آن واژه‌ها را بشناسید و مطمئن شوید در متن موردنظر هم به شکل غیرحقیقی به کار رفته‌اند. مجازهای به‌کاررفته در کنکورهای ۹۸ تا ۱۴۰۱ (داخل) را در زیر ببینید:

یک عمر (مدت زیاد)

صد (مقدار زیاد)

هزار (مقدار زیاد)

خاک (مزار)

مصراع / مصراع (شعر)

چمن (بوستان)

طره (مو)

جهان (مردم جهان)

شهر (مردم شهر)

سر (قصد)

دست (تسلط)

خون (کشتن)

چشم (دیدگاه)

جام (می)

در ابیات زیر به ترتیب، کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟
 (کنکور سراسری ۱۴۰۱ دی‌ماه)
 الف) نام شکر نبرم پیش عقیق تو که خسرو / با وجود لب شیرین به شکر باز نماند
 ب) دل‌افگار ما را نیست غیر از داغ دلسوزی / ز چشم جغد دارد روشنی ویرانه در شب‌ها
 ج) میان بحر به یاد گهر توان رفتن / هوای زهر به شوق شکر توان کردن
 د) تا خیال لب و دندان تو در چشم من است / مردم چشم من از لعل و گهر قارون است

- ۱) تشبیه - ایهام - مراعات نظیر - حسن تعلیل
- ۲) استعاره مصرحه - اسلوب معادله - موازنه - تشبیه
- ۳) تلمیح - پارادوکس - جناس - لف و نشر
- ۴) ایهام - حسن تعلیل - تضاد - تلمیح

پاسخ گزینه ۲

استعاره: عقیق استعاره از لب / اسلوب معادله مصراع دوم مصداق و مثالی برای مصراع اول / موازنه: واژگان به صورت دو به دو دارای سجع متوازی یا متوازن هستند. / تشبیه لب به لعل و دندان به گهر (آغشته به لف و نشر)

برخی استعاره‌های مصرع‌های رایج (مربوط به معشوق)

لب یار	گیسوی یار	چهره یار	قامت یار	محبوب زیبا
لعل	کمند	ماه	سرو	بت
عناب	زنجیر، سلسله	آفتاب	شمشاد	صنم
پسته	چوگان	سمن		لعبت
غنچه	مشک، عنبر	گل		سرو
عقیق	سنبل	ارغوان		غزال
شکر	شب	لاله		نگار
				ماه
				شمشاد

موازنه و ترصیع

موازنه و ترصیع هر دو گسترش آرایه سجع در تمام جفت‌واژه‌های دو قرینه است؛ خواه این دو قرینه دو جمله منثور یا دو مصراع منظوم باشد. موازنه از سجع متوازی یا متوازن ساخته می‌شود؛ هنگامی که در دو قرینه، تمام جفت‌واژه‌های متناظر، سجع متوازی یا متوازن داشته باشند، موازنه وجود دارد. در ترصیع، که از سجع متوازی پدید می‌آید، تمام جفت‌واژگان متناظر سجع متوازی دارند.
 نمونه موازنه: صیاد من آن است که نخجیر تو گردد سلطان من آن است که هندوی تو باشد
 نمونه ترصیع: به جفای رقیب دادم تن به وفای حبیب شادم من

در ابیات زیر به ترتیب، چه آرایه‌هایی یافت می‌شود؟ (کنکور خارج از کشور ۱۴۰۱)

- تا کی به بزمِ غیر می لاله‌گون کشی / تا چند خون ز رشک مرا در جگر کنی
- فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت / گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق
- دلم سر به هامون رها می‌پسندد / سرم بالش از صخره‌ها می‌پسندد
- چشمم به چه کار آید اگر ساده نبینم / گامم به چه خوش باشد اگر باده ننوشم

- | | |
|-----------------------------------|---|
| (۱) ایهام - مجاز - تشبیه - موازنه | (۲) کنایه - تشبیه - تشخیص - اسلوب معادله |
| (۳) مجاز - جناس - کنایه - تشبیه | (۴) تشبیه - کنایه - جناس ناقص - مراعات نظیر |

پاسخ گزینه ۱

ایهام: «کشی»: ۱- حمل کردن ۲- نوشیدن / مجاز: «فصل گل» مجاز از بهار / تشبیه: می لاله‌گون - اشک گلگون / موازنه: در بیت چهارم آرایه موازنه مشاهده می‌شود.

آرایه تشبیه

تعریف: نام بردن از دو پدیده با اسم آن‌ها و برقراری ارتباطی میانشان که نشان‌دهنده مقایسه و شباهت آن دو باشد. از این دو پدیده یکی به داشتن ویژگی خاصی مشهور و معروف است. برای همین، پدیده موردنظر را با آن مقایسه می‌کنیم تا ویژگی موردنظر را بتوان به هر دو نسبت داد. این ویژگی مشترک که دلیل همانندسازی است، «وجه شبه» نام دارد، یعنی «وجه» و دلیل شباهت دو پدیده. معمولاً این همانندسازی و مقایسه در قالب الگوهای زبانی مشخصی بیان می‌شود و خیلی از اوقات هم نشانه به‌خصوصی دارد که به آن «ادات تشبیه» می‌گویند. به آن دو پدیده که موضوع سخن و اصل کار هستند و بدون نام‌بردن از آن‌ها تشبیه شکل نمی‌گیرد، «طرفین» تشبیه گفته می‌شود که شامل «مشبه» و «مشبه‌به» است. «مشبه» آن چیزی است که قصد توصیفش را داریم و با «مشبه‌به» آن را توصیف می‌کنیم. طرفین تشبیه هیچ‌گاه حذف نمی‌شوند.

«مشبه‌به» ویژگی موردنظر گوینده را مشهورتر، معروف‌تر و برجسته‌تر دارد؛ زیرا اگر چنین نباشد، دلیلی هم ندارد برای توصیف چیز دیگری از آن کمک بگیریم. اگر «سرو» قدی بلند و چندین‌متری نداشته باشد، دیگر لطفی ندارد که معشوقی قدبلند را مثل سرو بدانیم.

اساساً در درون هر تشبیه، به هر شکلی که بیان شود، یک گزاره تشبیهی ساده وجود دارد: الف < ب، به‌دلیل ج (< نشان‌دهنده ادات است و «ج» وجه شبه است).
نکته: دو پدیده موردنظر در تشبیه نمی‌توانند عیناً مترادف یا کاملاً از یک جنس باشند. «خیال» باید در آن نقشی داشته باشد. «من» نمی‌تواند شبیه به «پادشاه» دانسته شود، زیرا این دو از دو جنس متفاوت نیستند. «لباس» نمی‌تواند شبیه «کت» باشد، چون هر دو از یک جنس هستند، اما «دروغ» می‌تواند مثل یک «لباس» باشد. «لباس» پوشاننده و مخفی‌کننده است و «دروغ» هم پوشاننده حقیقت است.

نکته: تشبیه گسترده

سه یا چهار جزء تشبیه در جمله صراحتاً آمده است. آمدن «ادات» تشبیه کار را در تشخیص تشبیه آسان می‌کند، اما تشخیص وجه شبه لزوماً ساده نیست.

اول با ادات تشبیه آشنا بشویم که اولین نشان‌گر تشبیه در یک متن است:

ادات تشبیه: هر لفظی که نشان‌دهنده رابطه شباهت و همانندی میان دو اسم باشد.

پسوندها: -وَش، -گون (-گونه)، -سار، -سان، -وار، -آسا، -فام

مثال: فم‌وَش، آب‌گون، دیوانه‌سار، مردسان، مُرداروار، گل‌فام

نکته: «چشمه‌سار، کوه‌سار و شاخ‌سار» تشبیه نیستند. پسوند «-سار» در آن‌ها به معنی مکانی است که در آن، چشمه یا کوه یا شاخه بسیاری وجود دارد.

حرف اضافه: چون (چو، هم‌چون)، چونان (هم‌چونان)، مانند، مثل، به‌سان، برسان، به‌کردار
«چو» دارای معانی دیگری هم هست. این حرف به معنی «وقتی‌که» و «حال‌که» یا «اگر» هم به کار می‌رود. تشخیص آن مهم است و با توجه به مفهوم انجام می‌شود. به تمرین زیر دقت کنید:

آرایه های مشترک اییات زیر کدامند؟
 «لعبت چشمم دمی دور نگردد ز اشک/زان که نگیرد کنار مردم دریا ز آب
 گر تو به تیغم زنی کز نظرم دور شو/سایه نگردد جدا ذره‌ای از آفتاب»

۲- کنایه-تشبیه
 ۴-مجاز-اغراق

۱-تناسب،ایهام تناسب
 ۳-حسن تعلیل-استعاره

پاسخ گزینه ۲

مجاز: «دم» مجاز از لحظه - «ذره‌ای» مجاز از مقدار کم / کنایه: «به تیغ زدن» کنایه از کشتن / تشبیه: لعبت چشم / ایهام: «ذره‌ای»: ۱- مقدار کم - معنای ظاهری

واژه‌های مربوط به چشم که بسامد ایهام‌سازی بالایی دارند

۱-عین (چشم / چشمه / مانند و...)	۲-مردم (آدم‌ها / مردمک)	۳-دل سیه (بدجنس / چیزی که میانه آن سیاه است)
۵-نگران (مضطرب / نگرنده)	۴-نگاه داشتن (حفظ کردن / در تناسب با چشم نگاه کردن)	

نکته: تفاوت ایهام با ایهام تناسب در این است که در ایهام ، هر دو معنای واژه پذیرفتنی است، اما در ایهام تناسب یک معنا به کار می‌آید و معنای دوم با واژه یا یا واژه‌های دیگر مراعات نظیر می‌سازد.

مثال: نشان طاق ابروی تو را پیوسته می‌پرسم / خیال سرو بالای تو را بسیار می‌بینم

«طاق» در هر دو معنی (۱- فرد و یگانه ۲- سقف قوسی شکل) به کار رفته است و ایهام آفریده / «پیوسته» نیز در معنی «همیشه» به کار رفته اما در معنی «به هم چسبیده» با «ابرو» ایهام تناسب می‌سازد.

فهرستی از کنایه‌های مشهور و پرکاربرد:

چشم داشتن : توقع داشتن	تنگ چشم بودن : حسود بودن	دل از مهر کسی پاک کردن: فراموش کردن
آب از سرگذشتن : نهایت بیچارگی	چشم به راه بودن : منتظر بودن	پایه چیزی برآب بودن : ناپایداری
باد در قفس کردن : عمل بیهوده	آب در هاون کوبیدن : عمل بیهوده	آب ریختن : بی اعتبار کردن
رنگ باختن: ترسیدن	آه در بساط نداشتن : بی چیز بودن	نقش بر آب زدن : عمل بیهوده
زرد رو شدن : محروم شدن / بیمار شدن	سر به بیابان نهادن : دیوانگی	دل به کسی دادن : عاشق شدن

به ترتیب هر کدام از ابیات زیر دارای کدام آرایه‌ها هستند؟

الف) راز من جمله فرو خواند بر دشمن و دوست / اشک ازین واسطه از چشم بیفتاد مرا

ب) مطرب بزن رهی و مبین زهد من از آنک / بر سبحة نیست شرف چنگ و نای را

ج) باده پیش‌آور که از عکس می و مهر رخت / در دلم گویی که صد خورشید تابان تافته‌ست

د) خانه آباد پیش پای سیل افتاده است / خاطر معمور جز در خانه ویران مخواه

۱- مجاز، حسن تعلیل، ایهام، تضاد ۲- ایهام، لفوئشر، مجاز، پارادوکس

۳- حسن تعلیل، واج‌آرایی، تشبیه، اسلوب معادله ۴- استعاره مصرحه، تضاد، اغراق، تشخیص

پاسخ گزینه ۱

مجاز: «دشمن و دوست» مجاز از همه / حسن تعلیل: بیت دارای حسن تعلیل است / ایهام: «مهر»: ۱- خورشید ۲- عشق و محبت / تضاد: معمور - ویران / بیت اول نیز دارای حسن تعلیل است / در بیت اول «از چشم افتادن» ایهام می‌سازد: ۱- بی ارزش شدن ۲- سقوط کردن

نشانه‌های حسن تعلیل:

۱- وجود رابطه‌ی علت و معلول در بیت .

۲- وجود حروفی که نشان دهنده علت و سبب هستند: «از» سببی ، «که» تعلیل ، «به» سببی.

مثال: ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی آید / که می‌گردد دوبالا ناله در کهسار عاشق را

۳- بیان پرسشی (انکاری): اگر + نه + علت + پدیده

مثال: اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد / ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست؟

۴- بیان پرسشی:

کدام زهره‌جبین بی نقاب گردیده است / که آتش از عرق شرم، آب گردیده است؟

۵- گاهی نشانه‌گر آشکاری وجود ندارد، اما مفهوم کاملاً دو پدیده را با هم مرتبط کرده؛ یکی دلیل دیگری است بی آنکه دلیلی منطقی باشد.

صد جوی آب بسته ام از دیده برکنار بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت

نکته: صرفاً نشانه‌های تعلیل (که، چون، زیرا و...) دلیل بر وجود آرایه حسن تعلیل نیست. مهم این است که دلیل بیان شده شاعرانه و ادبی‌ست، هرچند که حضور این نشانه‌ها در جمله کار را ساده می‌کند ولی گاهی ممکن است این حروف از جمله حذف شوند.

مثال: نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم / همه بر سر زبان اند و تو در میان جانی

به ترتیب آرایه‌های شاخص ایات زیر کدام‌اند؟

- (الف) به چشم نرگس مست ار چه شیوه دارد / ولی مدام چو چشم خوش تو سرخوش نیست
(ب) شب و روز غیر دردی نخورم بر آستان / که دوی خوبرویان نرسد من گدا را
(ج) همچون کمر به گرد میانش درآمدم / او را میان ندیدم و او در میان نبود
(د) دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح / بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می‌چکد
(ه) آهی کشم به یاد بناگوش او ز دل / هر نیمه‌شب که طالب صبح دمیده‌ام
- ۱- ایهام تناسب، مجاز، جناس تام، حسن تعلیل، لف و نشر
۲- ایهام، حسن تعلیل، تشبیه، استعاره، واج آرایی
۳- تشخیص، حس آمیزی، ایهام تناسب، ایهام، تضاد
۴- لف و نشر، تضاد، جناس، کنایه، تشبیه

پاسخ گزینه ۱

ایهام تناسب: «مدام»: ۱- همیشه (مورد قبول) ۲- شراب (غیر قابل قبول) متناسب با مست / مجاز: «روز و شب» مجاز از همیشه / جناس تام: «میان» در دو معنا به کار رفته است: اولی به معنای کمر و دومی به معنای وسط / حسن تعلیل: بیت دارای حسن تعلیل است / لف و نشر: «لف»: آه - بناگوش / «نشر»: نیمه شب - صبح

لف و نشر

لف و نشر گونه‌ای از برقراری ارتباط بین دو یا چند گروه از واژه‌هاست. با استفاده از این آرایه، شاعر آن‌چه را می‌تواند مورد به مورد توضیح بدهد، در دو گروه می‌آورد. اول، گروهی از واژه‌ها را، معمولاً با حرف عطف بهم پیوند می‌دهد، سپس گروهی از واژه‌های دیگر را که به نوعی به آن‌ها مربوط می‌شوند، ذکر می‌کند. نهایتاً حالتی مانند حالت زیر پیش می‌آید:

$$C' - B' - A' < A - B - C$$

«لف» در لغت یعنی «پیچیدن» که اصطلاحاً به گروه اول واژه‌ها گفته می‌شود و به گروه دوم، که یک به یک و مورد به مورد (گاهی به ترتیب و گاهی بی‌ترتیب)، به گروه اول مربوط می‌شود، «نشر» یعنی «پراکندن / باز کردن» گفته می‌شود.

این آرایه قالب مناسب برای ارتباط دادن پدیده‌هایی ایجاد می‌کند که در ادبیات فارسی معمولاً مرتبطند (مثلاً تصاویر رایجی که درباره ویژگی‌های چهره و ظاهر معشوق است)، بنابراین گاهی لف و نشر را همراه با تشبیه می‌بینیم. میان «عارض / چهره / رخ» و «روز» ارتباطی قراردادی در ادبیات ما وجود دارد؛ میان «زلف / مو / گیسو» و «شب» هم همین‌طور. شاعر به جای آن که این‌ها را در قالب‌های آشکار و تکراری تشبیه، همانند کند، از لف و نشر هم می‌تواند استفاده کند: «ز زلف و عارض خود صبح و شام آورد مستان را».

از طریق این آرایه، اجزای جملات نیز می‌توانند در دو یا چند گروه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند؛ مثلاً گروه اول «افعال» و گروه دوم «مفعول‌های» آن‌ها باشند. بیت منسوب به فردوسی نمونه بارز آن است:

به روز نبرد، آن یل ارجمند

به شمشیر و خنجر، به گرز و کمند

برید و درید و شکست و بیست

یلان را سر و سینه و پا و دست

لف و نشر دو حالت مرتب و مشوش دارد:

۱) مرتب: $B' - A' < B - A$

۲) مشوش: $A' - B' < B - A$

رایه ذکر شده در مقابل چند بیت درست است؟

- (الف) عقل کامل می شود از گرم و سرد روزگار/ آب و آتش می کند صاحب برش شمشیر را (حسن آمیزی)
(ب) از تحمل دشمن خونخوار گردد مهربان/ گردن تسلیم می ریزد دم شمشیر را (متناقض نما)
(ج) بر نمی گردد برات قسمت حق، خون مخور/ نیست ممکن بازگردیدن به پستان شیر را (تشبیه)
(د) ریشه نخل کهنسال از جوان افزون ترست/ بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را (تشخیص)
(ه) از سفیدی دیده یعقوب شد صبح امید/ منزلی جز قصر شیرین نیست جوی شیر را (حسن تعلیل)

۴- چهار

۳- سه

۲- دو

۱- یک

پاسخ گزینه ۳

الف) حسن آمیزی ندارد. (گرم و سرد روزگار مجاز از موقعیت های متفاوت روزگار) / ب) تناقض: اینکه تسلیم شدن موجب ریختن خون شود / د) بیت دارای اسلوب معادله است / ه) مصراع اول دارای حسن تعلیل است.

حسن آمیزی:



مقصود از حسن آمیزی بیان و تعبیری است که از آمیخته شدن دو یا چند حس پدید می آید. به عبارت دیگر حسن آمیزی آمیختن دو یا چند حس است در کلام، به گونه ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی آن شود. همان طور که می دانیم برای هر حس یک عضو یا اندام و چند واژه مربوط به آن وجود دارد که در زیر آن ها را می بینیم.

بینایی ← چشم؛ دیدن، رنگ، نور، روشنی، روشن، تاریک، تاریکی و

شنوایی ← شنیدن، گوش؛ صدا، آواز، فریاد و

چشایی ← چشیدن، زبان؛ تلخ، شیرین، شور، ترش و

بوایی ← بویدن، بینی؛ بو، عطر، بوی خوش و ...

لامسه (بساوایی) ← لمس کردن، پوست؛ نرمی، زبری، سوزان، سخت و ...

اگر هر حس با عضو و واژگان مربوط به خود به کار رود، کلام عادی است و حسن آمیزی پدید نمی آید. مثلاً اگر بگوییم: سبزی درخت را دیدم رنگ (سبز) با دیدن (حسن بینایی) درک می شود. اما اگر بگوییم «یک لحظه سبزی درخت را شنیدم.» دو حس بینایی (سبزی) و شنوایی (شنیدن) درآمیخته شدند و آرایه حسن آمیزی را پدید آوردند. به این مصراع از بیدل دهلوی توجه کنید:

«دیده ها باز است لیک از راه گوشم دیده اند» ← «از راه گوش دیدن» یک حسن آمیزی است.

در حسن تعلیل دو امر بسیار مهم است :

۱- رویداد واقعی : اتفاقی که افتاده باید واقعی باشد نه صرفاً تخیل و تصور شاعر

۲- علت غیر واقعی : دلیلی که برای اتفاق بیان می شود باید غیر واقعی اما شاعرانه و زیبا باشد

(اگر علت واقعی یک اتفاق را به آن نسبت دهیم این صرفاً «تعلیل» است و در آن حسنی وجود ندارد.)

مثال: ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو

توضیح: معنی «تجلی کردن روی تو باعث می شود ماه و پروین از خجالت روی خود را پنهان کنند»، این بیت دلیل دارد و شاعرانه هم هست اما پدیده واقعی نداریم (مگر ماه و پروین صورتشان را پنهان می کنند؟) پس حسن تعلیل نداریم.

در چند بیت تشبیه و تلمیح مشهود است؟

- (الف) تنها نه منم مست ز خم خانه عشقت / کز جرعه جامش در و دیوار خراب است
(ب) اگر عکس رخ و بوی سر زلفت نبودندی / که بنمودی شب دیجور نور از طور موسی را
(ج) ما بی خودیم و مدعیان اند بی خبر / زان می که داده است به ما ساقی الست
(د) لب های تو خضر اگر بدیدی / گفתי لب چشمه حیات است
(ه) پاره گرداند زلیخای صبا / صبحدم بر یوسف گل پیرهن

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

پاسخ گزینه ۲

(الف) فقط تشبیه دارد / (ب) فقط تلمیح دارد / (ج) فقط تلمیح دارد.

(د) تشبیه لب به چشمه حیات / تلمیح: اشاره بر داستان حضرت خضر

(ه) تشبیه: زلیخای صبا - یوسف گل / تلمیح: اشاره دارد بر داستان حضرت یوسف

تلمیحات رایج

ماجرای خضر، اسکندر و آب حیات

کلیدواژه‌ها: خضر، آب حیات، آب حیوان، چشمه حیوان، اسکندر، ظلمات، فرخپی، راهبری و راهنمایی
نسازد صیقل اقبال این آئینه را روشن که ظلمت رزق اسکندر ز آب زندگی باشد (انسانی ۹۲ خارج)
ز جبهه عرق شرم می توان دانست که سر به مهر حباب است آب حیوانش (انسانی ۹۳ خارج)
ماجرای حضرت یوسف

کلیدواژه‌ها: یعقوب، کنعان، بوی پیراهن، عزیز مصر، سیلی اخوان، حسن روزافزون، بریدن دست، زلیخا
از نسیم ای ساکن بیت الحزن غافل مشو چشم می خواهی ز بوی پیرهن غافل مشو (انسانی ۹۴ خارج)
در درونم به جز از دوست دگر چیزی نیست یوسفم اوست من آلوده به خون پیرهنم (انسانی ۹۵ خارج)
مشو درهم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان که بی این نیل از چشم خریداران خطر داری (انسانی ۹۹ داخل)

ماجرای حضرت موسی: سفر در وادی «ایمن»، نور الهی بر کوه طور و...

کلیدواژه‌ها: نیل، فرعون، پور عمران، کلیم، کوه طور (که تاب نور الهی را نمی آورد)، سامری، ید بیضا، عصا و اژدها، آتش وادی ایمن
مشو از حرف عشق ای خامه ای آتش زبان خامش کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم (انسانی ۹۵ خارج)

یادآوری: اضافه تشبیهی:

تشبیه فشرده اضافی معمولاً در قالب ساختار می آید: مضاف — مضاف الیه = مشبّه به — مشبّه

گاهی اوقات، تشبیه فشرده اضافی برعکس این ساختار بیان می شود؛ این حالت را در ترکیب‌هایی مثل «ابروی کمان» و «لب لعل» می توان دید.

کدام گزینه دارای ایهام تناسب و بیشترین استعاره است؟

۱) فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر/ قامت است آن یا قیامت، عنبر است آن یا عبیر

۲) ماه را از شکن سنبل شبگون بنمای/ لاله را این همه در سایه ریحان مگذار

۳) ای شده بر مه ز شبه مهره ساز/ با شبه ات مار سیه مهره باز

۴) شبه اش غالیه آسا و شبش غالیه سا/ عنبرش غالیه بوی و قمرش غالیه پوش

پاسخ گزینه ۴

استعاره‌ها: «شبه - شبش - عنبرش - قمرش - غالیه» / ایهام تناسب: «قمر»: ۱- چهره (مورد قبول) ۲- ماه (غیر قابل قبول) متناسب با شب

انواع استعاره مطابق کتاب درسی:

۱) استعاره مصرحه (آشکار): شبهه

قطب‌نما: استعاره‌های مصرحه راجح

مرتبط با عشق: آتش، دام، شراب

مرتبط با معشوق: صنم، بت، گل، لعبت، نگار، ماه / مه، بهار، غزال، آهو، سرو (سرو روان، سرو خرامان و...)، شمشاد، طبیب، ساقی، یوسف، ستاره

مرتبط با لب و دهان: شکر، یاقوت، پسته، حقه / حقه لعل، عقیق، عناب، لعل، غنچه

مرتبط با چهره: ماه، قمر، گل، ارغوان، لاله

مرتبط با مو: کمند، سلسله، زنجیر، سنبل، مُشک، عنبر، شب، بنفشه، چوگان

مرتبط با سخن: شکر، گوهر

مرتبط با چشم: بادام، نرگس (معمولاً با ویژگی‌هایی چون مست، خمار، بیمار، سیاه، آبدار، جادوگر، دژم، افسونگر، خون‌خوار و...)

مرتبط با اشک: (از نظر سرخی) عقیق، یاقوت، لعل، خون، عناب / (از نظر پاکی) مروارید، در، گوهر، لولو، لالا، گلاب / (از نظر درخشندگی) ستاره / (از نظر شدت) سیل، جوی، رود، بحر

مرتبط با ابرو: کمان، طاق، محراب، ماه نو، نعل

مرتبط با خال: گوی چوگان، دانه، مشک، دانه اسفند

مرتبط با سرانگشتان: فندق

مرتبط با ریش نودمیده: عنبر، مشک، مور (= مورچه)

☆ صفت اشاره + اسم

علاوه بر استعاره‌های مصرحه راجح که در درس‌نامه‌ها به تدریج اما به‌تمامی با آن‌ها آشنا خواهید شد، باید دقت کنید که هرگاه با صفات اشاره (این و آن) به اسمی اشاره شود که پیشینه‌ای از آن در متن نیست، احتمالاً به جای اسمی دیگر آمده است و استعاره مصرحه دارد. به نمونه زیر دقت کنید:

در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی
«بازار» بدون هیچ پیشینه‌ای با «این» آمده است و مشخص می‌شود که منظور همان «بازار» که ما می‌شناسیم نیست. «بازار» در معنی مجازی به کار رفته و استعاره دارد.

همه ابیات دارای یک تشبیه و دو استعاره هستند، به جز ...

(۱) ای بهشتی پیکر از فردوس می آیی مگر / کز عقیق جانفزایت آب کوثر می رود

(۲) بر آتش دل ما ریز آب آتش فام / که دفع آتش سوزان به آب باید کرد

(۳) ای بسا دود جگر کز مهر رویت هر شبی / شمع عالم تاب گردون در شبستان افکند

(۴) دیشب نگار مهوش خورشیدروی من / بگشود برقع از رخ و غوغا پدید شد

پاسخ گزینه ۴

تشبیه: نگار مهوش - نگار خورشیدروی / استعاره: نگار استعاره از معشوق

(۱) فقط یک تشبیه دارد

(۲) فقط یک تشبیه دارد

(۳) فقط یک تشبیه دارد

نکات

۱. تمایز اضافه استعاری و تشبیهی

در دو مثال اول استعاره مکنیه، این آرایه به شکل ترکیب اضافی بیان شده است: «بیخ صبر» و «جگر جام». به این نوع از ترکیب‌های اضافی اضافه استعاری گفته می‌شود. تشخیص اضافه تشبیهی از اضافه استعاری کار ساده اما مهمی است. ترکیب «مرغ دل» را با «بیخ صبر» قیاس کنید. در اولی دل به مرغ تشبیه شده است اما آیا در دومی صبر به بیخ تشبیه شده است؟ خیر. بنابراین کافی است از خود بپرسید «آیا [مضاف‌الیه] به [مضاف] تشبیه شده است؟». اگر پاسخ مثبت بود با تشبیه اضافی و اگر منفی بود با اضافه استعاری مواجه‌اید.

۲. هر خطابی استعاره مکنیه از نوع تشخیص نیست!

به ابیات زیر توجه کنید:

به سرکشی خود ای سرو جویبار مناز که گر به او رسی از شرم سر فروداری

به سر سبز تو ای سرو که چون خاک شوم ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز

در مورد نخست، شاعر سرو جویبار را مانند یک انسان مورد خطاب قرار می‌دهد. درواقع ویژگی «مورد خطاب قرار گرفتن» انسان به سرو نسبت داده شده است، پس ما با استعاره مکنیه مواجهیم. اما در مورد دوم شاعر در حقیقت دارد یک انسان را خطاب قرار می‌دهد فقط به جای این که بگوید «ای معشوق»، گفته «ای سرو»؛ پس ما با استعاره مصرحه مواجهیم.

عشق:

- آتش (احساسات و هیجان‌های درونی را به آتش تشبیه می‌کنند که از درون می‌سوزد و شعله می‌کشد).
- شراب (عشق مست‌کننده است، مانند شراب. بنابر این، گاهی منظور از «شراب» یا واژه‌های مشابه، عشق است).
- دام (عشق گرفتارکننده است).

معشوق:

- صَنَم / بُت: صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم / تا به کی در غم تو ناله شبگیر کنم
 - به جانت ای بت شیرین دهن که همچون شمع / شبان تیره مرادم فَنای خویشتن است
 - لعبت: نشاط آغاز کرد و باده می‌خورد / غم آن لعبت آزاده می‌خورد
 - نگار: نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد / بختم از این‌جا ببرد
 - ماه / مَه: گر نباشد هر دو عالم گو مباش / تو بسی ای ماه و مه یکتا خوش است
 - بهار: ملکا مها نگارا صنما بتا بهارا
 - غزال / آهو: تا هست تاج عشق توام بر سر ای غزال / شیرین بود به شهر غزل شهر یاری‌ام (زبان، ۱۴۰۰)
 - سرو (سرو روان) / شمشاد: باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است؟ / شمشاد خانه‌پرور ما از که کمتر است؟
 - هر که دید آن سرو سیم‌اندام را / ننگرد دیگر به سرو اندر چمن
 - ستاره: چه شب است یارب، امشب که ستاره‌ای برآمد / که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم
 - گل: آن خرمن گل نه گل که باغ است / نه باغ ارم که باغ مینوست
 - طبیب: خواهم که پیش میرمت ای بی‌وفا طبیب / بیمار بازپرس که در انتظارت (زبان، ۱۴۰۰)
 - ساقی: ساقی! ار باده از این دست به جام اندازد / عارفان را همه در شرب مدام اندازد (زبان، ۱۴۰۰)
 - یوسف: ای یوسف خوش‌نام ما، خوش می‌روی بر بام ما / ای در شکسته جام ما، ای بردریده دام ما
- اسم‌های فهرست‌شده لزوماً استعاره ندارند، بلکه باید در معنی دیگری به کار رفته باشند.

تشخیص تشبیه‌های پوشیده و تفضیلی:

تشبیه پوشیده یا مضمَر تشبیهی است که از طریق نسبت‌دادن دو پدیده به همدیگر بدون شیوه‌های آشکار رایج (مثل ادات، کسرۀ اضافی، فعل اسنادی) اتفاق می‌افتد. وقتی دو پدیده بدون این شیوه‌ها به هم نسبت داده می‌شوند، تشبیه را پوشیده می‌دانیم. **به نمونه زیر دقت کنید:**

از طاق ابروانت وز تار گیسوانت هم خسته کمانیم هم بسته کمندیم

هرگاه در بیتی با دو پدیده مواجه شدید که یکی از آن‌ها مشهورتر اما در نسبتی فروتر و پایین‌تر از پدیده دیگر قرار گرفته، تشبیه تفضیلی است. هرگونه فروتر قرار دادن مشبه به از مشبه تشبیه تفضیلی می‌سازد. در این تشبیه‌ها، به‌ظاهر تشبیه صورت نمی‌گیرد؛ ممکن است شاعر حتی صریحاً بگوید که پدیده الف اصلاً شبیه «ب» نیست اما نه به این سبب که هیچ شباهتی ندارند، بلکه به این دلیل که در داشتن ویژگی مشترک، یکی از آن دو خیلی برتر دانسته شده است. **به نمونه زیر دقت کنید:**

نپندارم که در بستان فردوس	بروید چون تو سروی بر لب جوی
تشبیه روی تو نکم به آفتاب	کاین مدح آفتاب، نه تعظیم شأن توست